



۳

حاصل شجاعت و سعصدا مسئولان

بهرام رادان: با قوه قضائیه تعامل خوبی داشتیم، سازمان سینمایی خالصانه و برادرانه با ما بود، جامعه به ساخت فیلم‌های این چنینی نیاز دارد. این شجاعت و سعصدا همه مسئولانی که باعث شد فیلم را روی پرده ببینید، قابل تحسین است، اعتقاد دارم ساخته شدن فیلم‌های این چنینی در پیشگیری از وقوع جرم مهم است.

از صحبت‌های این بازیگر و تهیه‌کننده در نشست خبری «علفزار»



۴

قصه نسازید

سارا بهرامی: گاهی تخیل برخی نقش‌ها را داریم اما این نقش بیشتر شبیه یک هدیه به من بود. ما این شانس را داشتیم که در جلسات بازیگری باشیم اما به ما خیلی اجازه نمی‌دادند، خانم‌هایی هم که مورد تجاوز قرار گرفته بودند تمایل به صحبت نداشتند. نقش سارا برای من خیلی ارزشمند بود، بازی کردن این نقش بیشتر به دلایل شخصی خودم بود و ربطی به ماجرای تجاوز نداشت، لطفاً قصه نسازید.

از صحبت‌های این بازیگر در نشست خبری «علفزار»

پلیس به علاوه مرد

نقد فیلم



رضا سامانی
منتقد سینما

هر فیلمی از محمد حسین مهدویان کنجکاوی برانگیز است. چه با سینمای او همسو و همدل باشی چه نباشی. به نظر می‌رسد او به عنوان یکی از متفاوت‌ترین فیلمسازان نسل جدید همواره در کانون توجه بوده و در چند سال اخیر بواسطه تجربه‌گرایی ژانری بیشتر هم زیر ذره‌بین منتقدان و مخاطبان قرار گرفته است. مهدویان امسال در حالی با فیلم «مرد بازنده» به جشنواره آمده که پیش از این فیلم «درخت گردو» و سریال «زخم کاری» او بحث‌های زیادی را بین موافقان و مخالفان برانگیخت. واقعیت این است که «مرد بازنده» بیش از هر چیزی فیلمی قصه‌گو با پرداخت غنی در جزئیات و فضا سازی است. به نظر می‌رسد محمدحسین مهدویان متأثر از سریال «زخم کاری» به سراغ این قصه رفته و در بستر ژانری معمایی و جنایی به روایت داستانی چند لایه پرداخته است. حضور بازیگرانی مثل جواد عزتی و رعنا آزادی ور هم به این تداعی دامن می‌زند؛ هر چند تلاش شده تا از طریق گرم و شخصیت‌پردازی به آشنایی‌زدایی از



نقش‌های پیشین برسند. «مرد بازنده» درباره یک پلیس آگاهی میان‌سال به اسم احمد خسروی است که در گیرودار زندگی شخصی پرمسأله‌اش، مسئول رسیدگی به پرونده‌ای رازآلود می‌شود. پرونده‌ای که روند کشف آن با شک‌ها و نگرانی‌های احمد درمی‌آمیزد و زندگی‌اش را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در فیلم با یک داستان چند لایه مواجه هستیم که از یک سو به رمزگشایی از یک پرونده قتل ربط پیدا می‌کند و از سوی دیگر به یک شبکه رانت و مافیای فساد اقتصادی که به قدرت گره خورده و در این میان با زندگی خانوادگی و آشفته احمد. این چندلایگی گرچه از یک سو بر غنای تعلیق می‌افزاید و موقعیت معمایی درام را برجسته می‌کند اما در میانه‌های قصه به کند شدن ریتم و ضربه‌نگار روایت و آشفتگی درام منجر می‌شود. انگار داستاتک‌ها و خرده روایت‌های متعدد، جان قصه را می‌گیرد و آن را از نفس می‌اندازد. محمدحسین مهدویان تلاش کرده تا در «مرد بازنده» تصویر متفاوتی از پلیس ایرانی به نمایش بگذارد. در این کار موفق بوده و بازی جواد عزتی هم به کمک او آمده. پلیسی که این بار پشت قاتل مظلوم می‌ایستد تا از مقبول ظالم پشتیبانی نکرده باشد اما مسأله این است که این تصویر جقدر با واقعیت

پیش‌بینی شما را واکنش مخاطبان و هیأت داوران به این فیلم چیست؟

این سؤال سختی است. من ریسک کردم و آمدم تا این ژانر را زنده کنم. خودم هم با انگیزه منتظرم تا ببینم مردم چطور به آن واکنش نشان می‌دهند چون ریتم فیلم کاملاً هالیوودی است، دیالوگ کم داریم، سکانس‌های اکشن فیلم زیاد است. در کل حدود نزدیک به ۶۰ لوکیشن داریم و حدوداً ۲۰ تا ۲۵ بار تهران را نمایش می‌دهیم و کاملاً چیز جدیدی است. من هم این ترس را دارم که تماشاگر چه واکنشی خواهد داشت ولی این ریسک را انجام داده‌ام و نتیجه‌اش احتمالاً به‌زودی مشخص خواهد شد. من تمام توانایی‌ام را در این فیلم گذاشتم و با این بودجه و تجهیزات به نظرم بهترین فیلمی را که توانسته‌ام، ساخته‌ام.

بودجه فیلم چقدر است؟

لايه‌های دروغ را طوری ساختیم که بشود آن را با فیلم‌های خارجی مقایسه کرد ولی بودجه آن با فیلم‌های خارجی قابل مقایسه نیست؛ مثلاً در مقایسه با فیلمی چون جان ویک که ۱۰۰ میلیون

دلار بودجه دارد، فیلم ما بودجه بسیار کمی دارد. شاید بودجه این فیلم به اندازه بودجه ۲۵ تا ۳۰ فیلم جان ویک باشد. بودجه یک فیلم آپارتمانی یا یک فیلم کوتاه برای این فیلم گذاشته شده است و جز این من حتی سلامتی‌ام را برای آن گذاشتم. با وحی دنده‌هالیم شکست.

چرا؟

چون من بلدکار نداشتم و صحنه‌های اکشن را هم خودم بدلکاری کردم. حدود دو سال پیش در یکی از این حرکت‌ها پایم از دو قسمت شکست، مجبور شدم کار را متوقف کنم و بپای جراحی به فنلاند برگردم. حدود شش ماه یعنی پنج روز بعد از فیلمبرداری هم کرونا گرفتم و حدود ۱۰ روز در آی سی یو بودم و تجربه خیلی سختی داشتم. به هر حال امیدوارم هیأت داوران و مردم هم فیلم را با فیلم‌های ایرانی مقایسه نکنند چون سبک آن با سبک فیلم‌های ایرانی متفاوت است.

برای بدلکاری از مرحوم ارشاد قدسی دعوت نکرده بودید؟

اتفاقاً قبل از فیلمبرداری با مرحوم ارشاد



قدسی هم تماس داشتم و قرار بود در این فیلم با هم همکاری کنیم ولی متأسفانه با اتفاقی که افتاد این کار اجرایی نشد.

شکرای فنلاندی چه نظری درباره نتیجه کار دارند؟

برای اولین بار اتفاق افتاده است که فیلمی محصول مشترک ایران و فنلاند باشد. شاید خیلی جذاب باشد که ایرانی‌ها از این طریق فنلاند را و فنلاندی‌ها ایران را می‌بینند. ۱۰ روز اول را در فنلاند و بقیه را در تهران فیلمبرداری کردیم و در فیلم این دو کشور از نظر فرهنگی و از نظر طبیعی نمایش داده می‌شوند. آنها پس از دیدن فیلم به قدری تعجب کرده بودند که فکر می‌کردند ما در دومی فیلمبرداری کرده‌ایم. امریکایی‌ها هم همینطور؛ وقتی دیدیم، به هر حال امیدوارم هیأت داوران و مردم هم فیلم را با فیلم‌های ایرانی مقایسه نکنند چون سبک آن با سبک فیلم‌های ایرانی متفاوت است.

برای بدلکاری از مرحوم ارشاد قدسی دعوت نکرده بودید؟

اتفاقاً قبل از فیلمبرداری با مرحوم ارشاد

مجلسه سوره جریان وسیعی برپا کرده بود یکی از اعضای هیأت داوران بود. همچنین عزت‌الله انتظامی، بازیگر مطرح سینما، نثار و تلویزیون نیز به عنوان یکی دیگر از اعضا، ترکیب هیأت داوران فجر یازدهم را تشکیل می‌داد که این رویداد از آن جنبه حائز اهمیت بود که تا پیش از این دوره سابقه نداشت که یک بازیگر در میان ترکیب اعضای هیأت داوران حضور داشته باشد.

در جست‌وجوی عدالت تحصیلی

مستند روز

اشکان نجابتی
از کارگردانان «مشق امشب»



مشق امشب به موضوع تکلیف شب در سه ناحیه از مدارس تهران (در قیاس با گذشت سه دهه از فیلم مشق شب عباس کیارستمی) می‌پردازد و در جست‌وجوی این پرسش که آیا تکلیف شب همچنان معضلی برای دانش آموزان و خانواده‌ها محسوب می‌شود؟ و اگر پاسخ منفی است معضل برجسته امروز آنها چیست؟ فیلم «مشق امشب» در سال ۱۳۹۸ با تأثیرپذیری از فیلم مشق شب عباس کیارستمی ساخته شد. در ابتدای کار، مضمون فیلم بر مبنای اثر ۳۰ سال قبل کیارستمی بنا نهاده شد. یعنی موضوع مشق شب اما در طول ساخت، گروه فیلمسازی به این نتیجه رسیدند که این موضوع دیگر معضل اساسی

دانش آموزان، اولیا و مربیان آموزشی نیست و به بیان دیگر از چرخه مشکلات نظام آموزشی به کنار رفته و همین امر سبب شد که توجه به مشکلات فعلی دانش آموزان همچون نقش شرایط مالی خانواده‌ها در ایجاد انگیزه تحصیلی



اشکان نجابتی و مهرداد نعمت‌اللهی سازندگان فیلم کوتاه مشق امشب

دانش آموز و تأثیر اختلاف طبقاتی بر آموزش به تصویر کشیده شود. با چنین رویکردی فیلم «مشق امشب» اثری مستقل شده و به اصطلاح عامیانه روی پای خودش ایستاده است. «مشق امشب» گویای حقایق مهم و قابل تأملی پیش روی نسل جدید است. شکاف‌های عمیق فرهنگی، طبقاتی و آموزشی میان دانش‌آموزان در فیلم؛ عدالت تحصیلی را مورد پرسش قرار می‌دهد. تلاش‌مان این بود که مخاطب با کاراکترها همذات‌پنداری کند و شیوه روایت به گونه‌ای پیش رود که تماشاگر تا انتهای اثر در پی کشف حقایق زندگی آنها باشد. خوشبختانه نگاه ما در این فیلم مورد توجه کارشناسان امر آموزش قرار گرفته و جای بسی خوشحالی است که فیلم مورد تأیید منتقدان و سینماگران قرار گرفته است.

به بهانه نمایش «ناخدا خورشید» ناصر تقوایی در بخش «قاب ماندگار»

ناکامی در شمال، درخشش در جنوب

قاب ماندگار

مازیار معاونی
منتقد سینما

این روزها که مثل تمام دهه‌های گذشته، بحران متن خوب و کمبود آشکار فیلمنامه‌های اقتباسی همچنان سینمای ایران را آزار می‌دهد شاید اشاره به اثری که «اقتباس» خوب را تمام و کمال به منضه ظهور رسانده یکی از بهترین و واجب‌ترین اشارات باشد. حدود ۳۵ سال پیش از این و در دوره‌ای سخت از زندگی هنری استاد ناصر تقوایی، فیلمساز برجسته سینمای ایران که با کنار رفتن تلخ او از هدایت مجموعه تاریخی «کوچک جنگلی» همراه شده بود یکی از ارزشمندترین آثار تاریخ سینمای ایران یعنی «ناخدا خورشید» کلید خورد. فیلمی که از زمان «داشتن و نداشتن» ارنست همینگوی به‌خوبی اقتباس و بومی سازی شده بود.

تقوایی با دلی آزرده از به سرانجام نرسیدن مجموعه «کوچک جنگلی»، به جای خلق زندگی قهرمانی از بطن تاریخ معاصر ایران، نوک قلم و دوربین خود را از صفحات شمالی جغرافیای سرزمینش به آب‌های گرم جنوب برگرداند تا به جای «میرزا کوچک خان جنگلی»، «ناخدا خورشید» متولد شود. قهرمانی که اگرچه پیشینه و ما به ازای تاریخی نداشت و زاینده تخیل تقوایی و نگاه اقتباسی او از زمان همینگوی بود



اما مردانگی و جوانمردی همان حس و حال «میرزا کوچک خان» را بازتاب می‌داد. انگار که دل زخم خورده فیلمساز بزرگ مان تنها با خلق یک بزرگمرد دیگر که همان جنس و جوهره را داشته آرام و قرار می‌گرفته است.

جالب اینکه استاد در انتخاب نقش اول فیلم خود یعنی نقش «ناخدا خورشید» هم بازیگری را برگزید که مانند خود استاد از پروژه «کوچک جنگلی» انصراف داده بود، داریوش ارجمند که تا قبل از «ناخدا خورشید» خاطره‌ای از او در حافظه نمایشی سینما دوستان حک نشده بود و با همین شاه نقش که البته با درک و دریافت درست و عالی مختصات نقش آن را به زیبایی هر چه تمام‌تر ایفا کرد نه تنها آن خاطره تلخ از دست رفتن یک نقش برجسته تاریخی را از ذهن‌ها زدود



همچنین «فاطمه معتمدآریا» توانست با حضور گزینه‌های دیگر مانند هما روستا، عنوان «بهترین بازیگر نقش اول زن» را به خاطر بازی در فیلم «یکبار برای همیشه» کسب کند. در بخش حضور فیلمنامه‌نویس‌هایی چون سیروس لوند و ابراهیم حاتمی‌کیا، «داریوش مهرجویی» توانست عنوان «بهترین فیلمنامه» را به خاطر فیلم «سارا» از آن خود کند.

که اصولاً به‌همین نقش به «داریوش ارجمند» نامدار و صاحب سبک در بازیگری بدل شد. ارجمند در یکی از گفت‌وگوهای اخیرش درباره این فیلم از آن تحت عنوان فیلمی یاد کرده که «با ریخ ساخته شده است»، فیلمی که در آن سال‌های دشوار نیمه دهه ۶۰ خورشیدی که کشور درگیر بی‌بضاعتی‌های مالی ناشی از شرایط جنگی کشور بود با بودجه‌ای که بخش‌بخش و به سختی تهیه می‌شد ساخته شد آن هم با وسوس‌های سنگین‌ترانه ناصر تقوایی که در طول دوران فیلمسازی‌اش به این آسانی‌ها از استانداردهای مورد نظرش کوتاه نمی‌آمده است. «ناخدا خورشید» نه تنها از منظر ارزشمند اقتباس از یک شاهکار ادبی و نگارش و کارگردانی که از دیدگاه بازیگری هم اثری ماندگار



از کرخه تا راین

افرادى چون مهرجویی و مخملباف و حاتمی کیا و پوراهاى تشکيل می‌دادند. ضمناً هیأت داوران «جایزه ویژه» خود را به «کیومرث پورا احمد» به خاطر کارگردانی فیلم «شرم، صبح روز بعد» اهدا کرد.

با حضور بازیگران مطرحی چون اکبر عبدی، مجید مظفری و خسرو شکیبایی، جایزه «بهترین بازیگر نقش اول مرد» به «فرامرز قریبیان» به خاطر فیلم «بندر مه‌آلود» رسید،

مجلسه سوره جریان وسیعی برپا کرده بود یکی از اعضای هیأت داوران بود. همچنین عزت‌الله انتظامی، بازیگر مطرح سینما، نثار و تلویزیون نیز به عنوان یکی دیگر از اعضا، ترکیب هیأت داوران فجر یازدهم را تشکیل می‌داد که این رویداد از آن جنبه حائز اهمیت بود که تا پیش از این دوره سابقه نداشت که یک بازیگر در میان ترکیب اعضای هیأت داوران حضور داشته باشد.

همچنین سیروس لوند، سیمرخ بلورین «بهترین کارگردانی» را به خاطر فیلم «یکبار برای همیشه» از آن خود کرد، آن هم در حالی که ترکیب رقیبای او در این بخش را

دوره یازدهم جشنواره فیلم فجر در حالی برگزار شد که یکی از پرسر و صداترین رویدادهای این دوره، ترکیب اعضای هیأت داوران بود.

«مرتضی آوینی»، سردبیر مجله سوره حوزه هنری، مستندساز و اندیشمند و صاحب‌نظر در حوزه سینما که آن روزها اظهاراتش در

گاه‌شمار جشنواره

یازدهمین دوره بهمن ۱۳۷۱